

در آمدی بر

افادات به فلسفه‌ی هایدگر

دانیلا والگانیو

محمد رضا قربانی



کامبو

تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از سمراه طالقانی،

خیابان نیرو، شماره ۷/۱، تلفن: ۷۷۵۲۹۹۰۷

درآمدی بر افادات به فلسفه هایدگر

نویسنده: دانیلا والگانیو

● چاپ اول ۱۳۸۶ تهران ● شمارگان ۱۲۰۰ نسخه

● لیتوگرافی: خدمات فرهنگی صبا ● چاپ: غزال ● صحافی: دیدآور

● طرح روی جلد: حسن کریمزاده

شابک: ۹۶۴-۷۳۸۷-۹۲-۶ ISBN 964-7387-94-6

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است Printed In Iran

Vallega-Neu, Daniela

والگا-نیو، دانیلا، ۱۹۶۶-م.

درآمدی بر افادات به فلسفه هایدگر / دانیلا والگانیو: [ترجمه] محمدرضا قربانی،

تهران: گام نو، ۱۳۸۵.

۲۲۴ص.

ISBN 964-7387-94-6

قیما.

یادداشت: عنوان اصلی: ... Heidegger's contributions to philosophy / واژه‌نامه.

موضوع: هایدگر، مارتین، ۱۸۸۹-۱۹۷۶ م. Heidegger, Martin. افادات به

فلسفه. / فلسفه.

شماره افزوده: قربانی، محمدرضا، ۱۳۲۹ - مترجم. / هایدگر، مارتین، ۱۸۸۹-۱۹۷۶ م.

Heidegger, Martin. افادات به فلسفه.

۱۳۸۵ ۱۲۹/الف ۲۷۹/ب۳۲۷۹

۹۰۱

۴۶۴۵۱-م

کتابخانه ملی ایران

فهرست

کونه نوشت	۹
پیش گفتار مترجم	۱۱
مقدمه	۲۷

بخش نخست - از «هستی و زمان» تا «افادات»

۱. ناکامی زبان	۳۱
الف) مسیر «هستی و زمان»	۴۳
ب) رهیافت «متافیزیکی» هستی و زمان	۶۵
۲. فروروندگی آغازگرایانه در تاریخ	۷۳
الف) «همبند بزرگ» افادات	۷۵
ب) «هستی و زمان» در متن «افادات»	۹۹

بخش دوم - شش همبند افادات

۳. پژواک	۱۱۱
الف) پژواک	۱۱۲
ب) رهایی و فراموشی هستو	۱۱۳
ج) افزاروارگی و تجربه‌ی زنده	۱۱۸
د) غول	۱۲۱
هـ) علم مدرن	۱۲۴
۴. پاس دادن	۱۲۵
الف) مواجهه‌ی جداکننده‌ی «سرآغاز نخست» با «سرآغاز دیگر»	۱۲۶

۱۳۱	 (ب) فرض آغازین سرآغاز نخست
۱۳۴	 (ج) سرآغاز دیگر
۱۳۷	 ۵. جهش
۱۳۹	 (الف) گشودگی آغازین حقیقت هستو چونان رویداد از آن خودکننده
۱۴۱	 (ب) انسان‌ها و خدایان
۱۴۴	 (ج) شکاف: هستو و نیست‌بودگی
۱۴۹	 ۶. بنیادگذاری
۱۵۳	 (الف) جاهستی
۱۵۷	 (ب) جاهستی - خودبودگی - انسان‌ها
۱۶۱	 (ج) حقیقت هستو: مفاک و زمان - مکان
۱۶۹	 (د) پناه‌گرفتن حقیقت هستو در هستنده‌ها
۱۷۷	 ۷. آیند-گان
۱۸۵	 ۸. آخرین خدا
۱۹۳	 ۹. هستو
۲۰۵	 پس‌نگاشت
۲۰۷	 واژه‌نامه‌ی آلمانی-فارسی
۲۱۱	 واژه‌نامه‌ی انگلیسی-فارسی
۲۱۵	 نمایه

کوتہ نوشت

- B:** Martin Heidegger, "Beiträge zur Philosophie (Von Ereignis)", ed. F.-W. von Hermann (Gesamtausgabe, vol. 65, Frankfurt a. m.: Klostermann, 1989).
- BaT:** Martin Heidegger, "Being and Time", trans. Joan Stambough (Albany: State University New York Press, 1996).
- CMartin** Heidegger, "Contributions to Philosophy (from Enowning)", trans. Parvis Emad and Kenneth Maly (Bloomington: Indiana University Press, 1999).
- GA5:** Martin Heidegger, "Holzwege", ed. F.-W. von Hermann (Frankfurt a. m.: Klostermann, 1977).
- GA9:** Martin Heidegger, "Wegemarken", ed. F.-W. von Hermann (Frankfurt a. Main.: Klostermann, 1976).
- GA24:** Martin Heidegger, "Die Grund Probleme der Phaenomenologie", ed. F.-W. von Hermann Frankfurt a. Main.: Klostermann, 1984, second edition.
- GA66:** Martin Heidegger, "Besinnung", (Frankfurt a. m.: Klostermann, 1997).
- SuZ:** Martin Heidegger, "Sein und Zeit", (Tübingen: Max Niemeyer Verlag).

پیش‌گفتار مترجم

در نامه‌ای درباره‌ی انسان‌گرایی، هایدگر می‌کوشد تا ارتباط میان انسان و هستی را از چشم‌اندازی مورد توجه قرار دهد که بسیار آغازین‌تر از متافیزیک است. ارتباط میان انسان و هستی در این مقاله، برخلاف هستی و زمان، نه توسط تحلیل ساختار زمان‌مند دازاین، بلکه از دیدگاه «از آن‌خودشوندگی» انسان نسبت به هستی مورد بازاندیشی قرار می‌گیرد. پرسش از هستی، در هستی و زمان، پرسش از واقع‌مندی^۱ انسان، یا به عبارت دیگر، پرسش از دازاین کنش‌مند در ویژگی زمان‌مند آن است. هرچند، هایدگر به زودی دریافت که رهیافت فرارونده‌ی او در هستی و زمان، که هستی را توسط مفاهیم متافیزیکی «فرارونده»، «افق» و «شرط امکان»، مفصل‌بندی می‌کند، ریشه در تفکر کانت دارد. تحلیل بنیادین دازاین، برخلاف انتظار هایدگر، انسان‌مدار^۲ از آب درآمد.^۳ در نامه‌ای درباره‌ی انسان‌گرایی که در واقع پاسخ هایدگر به اگزیستانسیالیسم انسان‌گرایانه‌ی سارتر است، به خوبی می‌توان «چرخش» اندیشه‌ی هایدگر

1. facticity

2. anthropocentric

3. Heidegger, Martin, "The Essence of Reasons", trans. T. Malick. Evanston, Ill, Northwestern University Press, 1969, p. 99.

را که پیش از آن در مقاله‌ی *درباره‌ی ذات حقیقت*^۱ (۱۹۳۰) از آن سخن گفته بود، یافت.

در مقاله‌ی *درباره‌ی ذات حقیقت*، که هایدگر از یک چرخش [Kehre] سخن می‌گوید، نخستین گام برای بر ساخت چشم‌اندازی که خارج از تحلیل دازاین، به ارتباط میان انسان و هستی به صورت آغازین می‌نگرد برداشته می‌شود. این چرخش تغییری در دیدگاه هایدگر نیست، بلکه یک چرخش کامل [Umkippen] است. چرخش تفکر هایدگر را می‌توان، به سادگی، معکوس شدن دو اصطلاح دانست: «هستی و زمان» به «زمان و هستی» وارونه می‌شود. گفته‌ی هایدگر مبنی بر این که «ذات حقیقت، حقیقت ذات است»، بیان دیگری از این چرخش است. ذات در عبارت اول، به معنای سستی آن و به معنای «چیستی» است، در حالی که در عبارت دوم، ذات به معنای فعلی آن آمده و خود گونه‌ای «رخداد» است. ذات در این معنا، گوه‌ریدن و نوسان کردن بنیادین است. از سوی دیگر، «حقیقت» نیز در عبارت نخست به معنای «درستی» یا تجربه‌ی نخستین آلتیا (که می‌توان آن را تجربه‌ی آلتیا در قالب فوزیس دانست) می‌باشد، در حالی که در عبارت دوم به معنای روشنگاه پنهانی است.^۲ بنابراین، «پاسخ به پرسش از ذات حقیقت، گفتن از یک چرخش [die Sage einer Kehre] درون تاریخ هستو است» (C 288).

چرخش هایدگر از هستی‌شناسی بنیادین به پرسش از ذات حقیقت، به طرح «اندیشه‌ی تاریخی هستو»^۳ می‌انجامد. اندیشه‌ی تاریخی هستو، هستو را

1. On The Essence of Truth

2. Inwood, M. J., "A Heidegger dictionary", Malden, Mass.: Blackwell Publishers. 1999, p. 232.

3. seynsgeschichtliche Denken

چونان «رویدادی» می‌داند که اگرچه در رخداد خود به انسان‌ها نیاز دارد، اما چیزی نیست که انسان آن را به وجود آورد (15 C). هستی «رویداد تجلی، رخداد حقیقت هستی، گذار تاریخ از تجلی دوره‌ای^۱ هستی» است.^۲ از آن‌جا که هستی، تاریخ تجلی دوره‌ای و آشکارساز است، بنابراین، «تاریخ هستی، خودِ هستی است».^۳ کتاب *افادات به فلسفه (از رویداد از آن خودکننده)* را می‌توان نخستین کتاب بنیادی هایدگر دانست که در آن «اندیشه‌ی تاریخی هستو» برای نخستین بار به *اجرا* درآمده است. هایدگر در *افادات*، حقیقتِ هستو را به صورت رخدادی درمی‌یابد که در گذار از سرآغاز نخست، به «سرآغاز دیگر تاریخ غرب» به‌سر می‌برد. این گذار، تصمیمی است درباره‌ی تاریخ‌مندی هستو. از نظر تاریخی، «سرآغاز دیگر» هنوز تصمیم‌گیری نشده، اما به آن اشاره شده است. تجربه‌ی هولدرلین در گریختن خدایان، نخستین «اشاره» به این سرآغاز است. کتاب *افادات* گذاری است از «هستی‌شناسی بنیادین» هستی و زمان به ویژگی تاریخی هستی.

تاریخ هستی در «سرآغاز نخست» با پرسش «هستی هستنده‌ها چیست؟» آغاز می‌شود. این پرسش را می‌توان تنها پرسش راهنمای اندیشه‌ی غرب دانست. نخستین پاسخ به این پرسش «فوزیس» است. از نظر یونانیان، هستی همانا «نمود همچون حالتی از تجلی پدیدار شونده» است که چیزها در آن از پنهانی به «حقیقت در معنای ناپنهانی» پدیدار

1. epochal

2. Caputo, John D., *Heidegger and Theology*, "The Cambridge companion To Heidegger", Cambridge University Press, 1998, p. 283.

3. Heidegger, Martin, "The End Of Philosophy", trans. J. Stambaugh, N.Y. Harper & Row, 1973, P. 82.

می‌شوند.^۱ از نظر هایدگر، یونانیان به‌جای اندیشیدن به هستی، «هست‌بودگی»^۲ را مورد توجه قرار داده‌اند. از این‌رو، هستی در «سرآغاز نخست» مورد فراموشی واقع شده است.^۳ تاریخ متافیزیک، با این تفسیر، تاریخ فراموشی یا واپس‌نشینی هستی است. نخستین مرحله از این «واپس‌نشینی» با تفسیر افلاطون از هست‌بودگی هستنده‌ها، به عنوان «ایده» صورت می‌گیرد. هستنده‌ها در قرون وسطا، «مخلوقات» خدا، و سرانجام در مدرنیته، به عنوان آن چیزی که در مقابل سوژه یا یک خواست می‌ایستد، تفسیر می‌شوند.

دوره‌های تاریخی در تاریخ هستی توسط آن چیزی که هایدگر به آن اراگنیس (رویداد از آن‌خودکننده) می‌گوید رخ می‌دهند. کتاب *افادات* بدون توجه به جنبه‌ی آموزشی نوشته شده است و تنها تلاشی است برای گفتن از «اراکنیس»، یعنی سخن گفتن از آن‌چه که او در *نامه‌ای درباره‌ی انسان‌گرایی* به آن «پرتاب هستی» می‌گوید. زبان اراگنیس بسیار آغازین‌تر از زبان متافیزیکی است. عنوان دوم کتاب، *Von Ereignis*، که با حرف بزرگ V نوشته شده است حاکی از تأکید ویژه‌ی هایدگر بر این عنوان است. از این نظر، *افادات* چیزی درباره‌ی «حقیقت هستو» نمی‌گوید، بلکه «گفتن اندیشمندانه‌ای را که توسط رویداد از آن‌خودکننده، از آن خودشده و به هستو و کلام هستو وابسته شده است» اجرا می‌کند (C3; B3). از نظر پدیدارشناسی، حرف اضافه‌ی «از» به عنوان یک جزء همانند،^۴ نقش

1. Heidegger, Martin. "An Introduction to Metaphysics", trans. R. Manheim, New Haven Conn, Yale University Press, 1959, p. 109.

2. beingness

3. Ibid. p. 18

4. syncategorematic

عمده‌ای در مفصل‌بندی کردن^۱ اراگنیس دارد. در این مفصل‌بندی، اندیشیدن و گفتن از اراگنیس، نه در برابر اراگنیس، بلکه از درون تجربه‌ی آغازین اراگنیس و وابستگی به هستو صورت می‌پذیرد. چنین اندیشه‌ای، توسط آنچه که هایدگر به آن پرتاب^۲ یا ندای هستو می‌گوید ممکن می‌شود. در این ندا، اندیشه به زبانی درمی‌آید که از آن خود شده است؛ به این معنا که زبان، ندای هستو را طنین می‌افکند و در این کار، هستو را چونان اراگنیس به زبان درمی‌آورد. اراگنیس رخداد ندای از آن خودکننده و پاسخ از آن خودشده در این نوسان بنیادین است.

اصطلاح «از آن خودکننده»، به هیچ‌رو به تسلط و تملک هستی بر انسان اشاره نمی‌کند. از آن خودشوئندگی انسان در رویداد از آن خودکننده، چرخشی به سوی «خود» است. ردپای این چرخش را می‌توان در کتاب *اعترافات* سنت آگوستین یافت. گفتگوی آگوستین با خود، در واقع، گونه‌ای مواجهه با خود اوست. آگوستین این چرخش را به این صورت توصیف می‌کند که «خدا او را به‌سوی خودش چرخانده است.»^۳ اما چرخش به سوی خود به چه معنایی است؟ آیا چرخش به سوی خود، به اگزیزتانس مربوط می‌شود یا به ماهیت؟ حقیقت من به ماهیت من وابسته است یا به اگزیزتانس من؟ حقیقت جای‌گاهی است که در آن من با ذات خودم مواجه می‌شوم. برای آگوستین، این جای‌گاه، درون‌راهی به سوی خداوند یا حقیقت است. پرسش، چرخش به‌سوی حقیقت خود است و نیز حقیقت چرخیدن خود شخص است: از آن خودکننده، از آن خودکنندگی

1. articulation

2. Zuwurf

3. Augustine, "Confessions", trans. F. J. Sheed, Hackett Publishing company, Indianapolis/cambridge, 1993, p. 138.

است [Ereignis ist Er-eignung]. در پرسش از هستی، هستی پرسشگر به سوی «از آن خود» او فرستاده می‌شود. «از آن خود» آن چیزی نیست که وابسته به ذات من باشد، بلکه چیزی است که وابسته به مواجهه‌ی من با خودم است، یا به عبارتی دیگر، وابسته به هستی فرستاده شده به جای‌گاه حقیقت خودم است؛ جایی که من با ذات خودم مواجه می‌شوم. با این حال، چرخش به این جای‌گاه، ذات حقیقت من یا «حالتی» است که در آن حقیقت «هست». این موضوع یک امر غیرمتافیزیکی است. چرا؟ چون چرخش به سوی «از آن خود» در قیاس اگزیستانس من با هستی برتری رخ نمی‌دهد، بلکه نقطه‌ای عزیمتی است برای امکان یک مواجهه با امر الهی که تنها در این حقیقت گشوده‌ی هستی «ممکن» است. همان‌طور که هایدگر می‌گوید خدایان به هستی نیاز دارند و هستی به انسان‌ها.

پرسش از مفاک آزادی (ناپنیاد) نشأت گرفته است که با جداکردن [Ent-scheiden]، یک تصمیم [Entscheidung] را بنیاد می‌نهد. چیزی که چرخش به سوی از آن من را ممکن می‌کند نه چیستی من، بلکه آن چیزی است که من آن نیستم: هستی چونان برون ایستادن در گشودگی آزادی یا درایستادگی در گشودگی یک مفاک. این امر، سرآغاز یک «شکاف» یا یک «تفاوت» است که همانا جای‌گاه از آن خود من است. در نامه‌ی *در باره‌ی انسان‌گرایی* هایدگر به این درایستادگی، Ek-sistenz می‌گوید تا آن را از اصطلاح Existance سارتر متمایز کند. درایستادگی، همان چیزی است که جاهستی (دازاین) از طریق نیاز هستو از آن خود می‌شود. جاهستی در میان ندا یا پرتاب هستو و وابستگی به آن قرار می‌گیرد. انسان‌ها توسط نیاز هستی برای رخ دادن در جاهستی از آن خود می‌شوند. از آن خود انسان‌ها باید به این نیاز، از طریق درایستادگی پاسخ دهد، که در چرخش آن توسط پناه‌دادگی گشودگی مفاکی چونان واپس نشینی هستنده‌ها رخ می‌دهد. این

پناه‌دادگی در زبان به صورت آغازین روی می‌دهد. اگر حقیقتِ مغاکِ هستو در واژگان یک زبان طنین دراندازد، جاهستی هستو را چونان «از آن خودکننده» پناه خواهد داد.

درباره‌ی کتاب افادات

کتاب *افادات به فلسفه*، (Beiträge zur Philosohty) دومین اثر بزرگ هایدگر پس از *هستی و زمان* است. واژه‌ی Beiträge در زبان آلمانی، به دو معنای مجموعه مقاله‌ها، و فایده‌رسانی و ادای دین به کار می‌رود، که در این کتاب هایدگر بیشتر به معنای دوم آن توجه دارد. کتاب *افادات* را باید به صورت یک تصنیف موسیقایی در نظر گرفت. اندیشه‌ای که با زبان متافیزیکی خوی گرفته است، در مواجهه‌ی با این کتاب به مشکل برمی‌خورد. پیش از خواندن کتاب، خواننده باید خودش را نه برای خواندن یک کتاب متافیزیکی، بلکه شنیدن یک موسیقی فلسفی آماده سازد. فصل‌بندی کتاب، توسط فوگ‌هایی شکل گرفته است که در موومان‌های مختلف، رفته رفته شکل اندیشه را به خود می‌گیرند. از این نظر می‌توان کتاب را به ردیف موسیقی همانند کرد. جمله‌ها و نغمه‌های هریک از گوشه‌ها در گوشه‌های دیگر، بارها و بارها تکرار می‌شوند، هرچند، نباید چنین تکراری را گذشته‌نگرانه درک کرد. تکرار فوگ‌های *افادات* را می‌توان همان تکرار پویای کی‌پرکگاردی دانست. از دیدگاه کی‌پرکگارد، تکرار اصیل یک تکرار پویا است که باید از تکرار ایستا متمایز شود. تکرار ایستا همواره همان چیز را تکرار می‌کند، در حالی که تکرار پویا همانند خودِ زندگانی آفریننده است. تکرار ایستا همان یادآوری افلاطونی‌هگلی است. تکرار و یادآوری دارای حرکتی یکسان اما در جهت مخالف یکدیگر هستند. آنچه که به یاد آورده می‌شود در گذشته تکرار می‌شود، در حالی که تکرار اصیل متوجهی آینده است. یادآوری

امکان پیوستگی میان زمان و جاودانگی را فراهم می‌کند، اما دارای حرکتی پس‌رونده است. ارسطو پیش از این گفته بود که گذر از امکان به فعلیت یک حرکت (کنسیس / κινέσις) است. هرچند در این جا، منظور ارسطو امکان و فعلیت منطقی نیست، بلکه منظور او امکان و فعلیت آزادی است. از نظر ارسطو، حرکت به صورت کلی، گذر از امکان (دونامیس / δυνάμις) به فعلیت (انرگیا / ενεργία) است. فعلیت نه تنها از نظر جوهر (اوسیا / ουσία) بلکه از نظر منطقی نیز برتر است. اما جوهرشناسی با فرجام‌شناسی تفاوت دارد؛ حرکت به سوی فعلیت، به خاطر آن چیزی است که یک چیز می‌خواهد آن بشود. هر امکان و دونامیسی تنها برای فرجامی که خود فعلیت و انرگیای آن است وجود دارد. تکرار واقعی، حرکتی فرارونده از توانمندی به سوی فعلیت در گستره‌ی آزادی است. از این دیدگاه، حرکت‌ها و موومان‌های *افادات* را باید بیشتر در معنای کنسیس ارسطویی درک کرد؛ حرکتی که در آن واژه‌های *افادات* آن چیزی می‌شوند که «هستند». فوگ‌های افادات با تکرار و اجرا، به فعلیت درمی‌آیند.

در سراسر کتاب می‌توان طنین نواهایی را شنید که در کل متن موسیقی در نوسان هستند و نواهای دیگر را هم‌نوا می‌سازند. هایدگر می‌کوشد تا همانند یک موسیقی‌دان، هم‌نوایی کل تصنیف را حفظ کند. در بخش ۵ و ۶ *افادات*، هایدگر از *دل‌گواهی*^۱ سخن به میان می‌آورد که «هم‌نوایی بنیادین» اندیشه‌ی تاریخی هستو است و جای «حیرت» را که هدایت‌گر اندیشه در «سرآغاز نخست» (یونان) بوده است، می‌گیرد (C15). هم‌نوایی بنیادین در هم‌نوایی‌های راهنماینده، یعنی در «هول»،^۲ «پس‌داشت»،^۱ و

1. intimation

2. startled dismay

«هراس»^۲ به حرکت در می‌آید. همنوایی بنیادین، جاهستی و اندیشه به مثابه‌ی فرافکنی گشوده‌ی حقیقت هستو در واژه یا مفهوم را همنو می‌سازد (C12). اندیشه‌ی آغازین *افادات* را در همنوایی بنیادین، یعنی همنوایی که در آن هستو در رخداد تاریخی آن بروز می‌کند در تاریخ‌مندی نگاه می‌دارد. در عین حال، تمام همبدها، همنوایی‌های راهنماینده‌ی خاص خود را دارند؛ هر بخش از فوگ «صدای» خاص خود را دارد که در همنوایی بنیادین کل فوگ طنین افکنده است. «هول» و «هراس»، هر دو از همنوایی راهنماینده‌ی «پس‌داشت» پدیدار می‌شوند. در همنوایی هول، انسان از آشنایی با هستنده‌ها به گشودگی آن چیزی که خودش را پنهان می‌دارد، به عقب رانده [Zurückfahren] یا برآشفته می‌شود [ent-setzen] (B 15). همنوایی «هراس» به آشکارکردن ترک هستی می‌انجامد. از این رو، می‌توان گفت که در هستی و زمان، هستی، در اجرای عزم پیش‌نگرانه‌ی دازاین، برای اندیشه اصیل‌وارانه آشکار می‌گردد؛ هستی در دلهره، یعنی در حال بنیادینی که اندیشه را از درگیری‌های روزانه‌اش با اشیاء و از حالت بازنموده‌ی آن برآشفته می‌سازد، به‌طور واقعی آشکار می‌گردد. اندیشه باید خودش را با «نه»ای که در دازاین و در نهایی‌ترین و نخستین امکان اصیل هستی آن رخنه کرده است، هماهنگ سازد. در *افادات* این «نه»، از یک ساحت تاریخی برخوردار شده است. در *افادات*، آشکارگی «نه‌بودن» برخلاف حالت «دلهره» در هستی و زمان، دارای ساحت تاریخی است. «نه‌بودنی» که در دازاین رخنه کرده است، تنها به امکان مرگ انسان اشاره نمی‌کند، بلکه تاریخ هستو، یا اگر دقیق‌تر بگوییم، تاریخ‌مندی هستو را برمی‌گشاید.

1. reservedness

2. awe

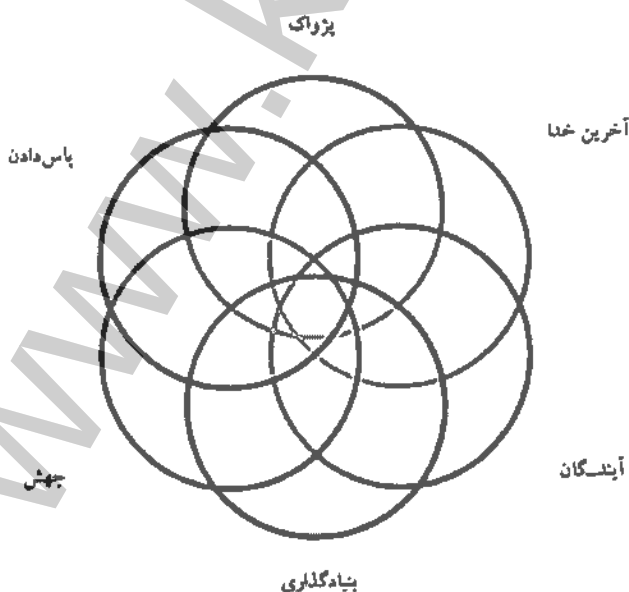
اندیشه در این همنوایی درمی‌یابد که در زمانه‌ی ما هستی، هستنده‌ها را ترک کرده است. ترک هستی، زمانه‌ی ما را چونان عصر تکنولوژیکی که در آن هستنده‌ها تنها وسایل صرف محصول هستند معین می‌کند. در این حالت، هستنده‌ها دیگر رخداد تاریخی هستو را در لحظه‌ی تاریخی منحصربه‌فرد پناه نمی‌دهند. تجربه‌ی واپس‌نشینی هستو از هستنده‌ها، همچنین، به آشکارگی این موضوع می‌انجامد که هستو به صورت آغازین، و به عنوان واپس‌نشینی، و نه همچون به حضور آوردن رخ می‌دهد. در تجربه‌ی رهایی هستی، هستی خود چونان واپس‌نشینی پژواک می‌کند (klingt an). آشکار شدن واپس‌نشینی هستی آن چیزی است که هایدگر به آن «حقیقت هستو» می‌گوید.

هایدگر در بخش ۵ افادات می‌گوید که در هراس/شرم، «خواست» حفظ ارتباط با هستو به عنوان واپس‌نشینی وجود دارد. این امر همان «پس‌داشت» است. ارتباط با واپس‌نشینی هستو توسط تاب آوردن و درایستادن (که از سویی به معنای ایستادن در گشودگی هستو و از سوی دیگر به معنای پایداری کردن است) در حال پس‌داشت واپس‌نشینی، با نگاه داشتن آن در یک «درنگ»، حفظ می‌شود. همان‌طور که هایدگر در بخش ۱۷۳ کتاب می‌گوید، در پس‌داشت واپس‌نشینی هستو، انسان‌ها در حقیقت هستو درمی‌ایستند. همنوایی بنیادین پس‌داشت در میان هول و هراس قرار دارد. هراس از «خواست» پس‌داشت نیز عبور می‌کند و ضرورت پنهان کردن از طریق سکوت را در خود دارد. بدین ترتیب، همنوایی هراس اجازه می‌دهد تا هستو، با نفوذ در میانه‌ی هستنده‌ها و تمام رفتارهای آن‌ها، همچون اراگنسیس رخ دهد (B 15).

آن‌چه که از آن خود می‌شود جاهستی (دازاین) است. اکنون، از آن خودکنندگی در واپس‌نشینی هستو در مفاک یعنی حقیقت مفاکی

هستو رخ می‌دهد. اما چگونه؟ واپس‌نشینی هستو شامل یک نیاز برای پافشاری واپس‌نشینی است که آن را در یک درنگ نگاه دارد. این نیاز واپس‌نشینی را درمیان هستی و نه‌هستی نگاه می‌دارد. در *افادات*، هایدگر به این درمیان واپس‌نشینی درنگ‌وار هستو، جاهستی می‌گوید. جاهستی گشتگاه چرخش اراگنیس است.

آن‌چه که در شش همبند *افادات*، چونان یک رخداد تکرار می‌شود، حقیقت هستو است. شش همبند به ترتیب، پژواک، پاس‌دادن، جهش، بنیادگذاری، آیندگان و آخرین خدا است. این همبندها در یک ترتیب خطی قرار ندارند، بلکه در یکدیگر طنین افکنده‌اند. همبندها به گونه‌ای در یکدیگر در هم تنیده‌اند که به راحتی می‌توان با یکی از همبندها شروع کرد و به همبند دیگر رسید. نگاره‌ی زیر بیانی است از این درهم‌تنیدگی همبندها:



درباره‌ی ترجمه‌ی کتاب

ضرورت ترجمه‌ی کتاب، به زمانی بازمی‌گردد که برای نخستین بار با همبندهای کتاب *افادات* مواجه شدم. از آن‌جا که در زبان فارسی هیچ مطلبی در این زمینه نیافتم، برآن شدم تا با مراجعه به اصل کتاب به فهم تفکر دوم‌هایدگر نزدیک شوم. متن بسیار پیچیده‌ی کتاب *افادات*، امکان هرگونه گشودگی به این افق را به تعویق می‌افکند. هنگامی که کتاب *درآمدی بر افادات* را برای نخستین بار خواندم، پاسخ بسیاری از پرسش‌های خود را یافتم. یافتن پاسخ‌ها شوق ترجمه‌ی کتاب را در من برانگیخت. از سوی دیگر، به جهت آن‌که در کشور ما بیشتر به تفکر هستی و زمان، و تفکر رساله‌ی سرآغاز کار هنری، و پرسش از تکنولوژی پرداخته شده است، پرداختن به تفکر افادات، که دومین کتاب مهم هایدگر است بسیار به جا دانستم. در ترجمه‌ی کتاب با دشواری‌های بسیار مواجه شدم، که در بسیاری از موارد مجبور شدم به اصل کتاب آلمانی و ترجمه‌ی انگلیسی آن مراجعه کنم. با این حال، همواره آگاه هستم که بر ساخت افقی از *افادات* بسیار پیچده‌تر از ترجمه‌ی این کتاب است. یافتن درنگ‌گاهی که بتوان از درون آن به افق این اندیشه درنگریست، همواره دغدغه‌ی اصلی من بوده است. هرچند، موومان‌های سمفونی *افادات*، امکان این درنگ فلسفی را از من سلب نمود. در پایان، کوشش نمودم تا با اقتباس از پیش‌گفتار مترجم کتاب *افادات*، برخی از اصطلاحات مهم کتاب را به اختصار توضیح دهم.

۱. از آن‌خودکننده [Ereignis]

اصطلاح Ereignis درست همانند "λογος [لوگوس] یونانی و تائوی

چینی‌ها چندان ترجمه‌پذیر نیست.^۱ عماد و مالی این واژه را به «enowning» ترجمه کرده‌اند و در پیش‌گفتار استدلال کرده‌اند که از آن‌جا که پیشوند «en» در زبان انگلیسی، به معنای «توانمند کردن» است، از این‌رو، در پیوند با واژه‌ی اصلی «owning» دیگر معنای تصاحب یا تملک را نخواهد داد. اراگنيس از این نظر، بیانگر حرکت «er» است که از میان «eignen» و «eignis» عبور می‌کند. بخشی از این حرکت «عزیمتی» است در و از رهگذر تمام راه‌ها^۲ بدون هیچ‌گونه تصاحبی. هایدگر هنگامی که این واژه را با خط فاصله‌ی کوتاه می‌نویسد بیشتر توجه خواننده را به پیشوند «er-» جلب می‌کند، که همچون نیرویی توان‌مند عمل می‌کند، و بیانگر حرکت همواره جاری و مداوم «در» و «از رهگذر» هستنده‌ها بدون هیچ‌گونه مالکیتی می‌باشد. در زبان آلمانی این واژه به معنای «رویداد» است. هرچند، این معنا نیز به صورت ضمنی مورد نظر هایدگر است، اما این معنا می‌تواند یادآور مفاهیم متافیزیکی باشد. از نظر عماد، «رویداد» در بخش‌های ۲۴۲-۲۳۸ از درون «زمان-مکان» پدیدار می‌شود و خود آن توسط اراگنيس از آن‌خود می‌شود. به همین جهت، واژه‌ی رویداد نمی‌تواند برابرنهاد مناسبی برای این اصطلاح باشد.

۲. هستو [Seyn]

هایدگر در *افادات* می‌گوید که با نوشتن Seyn به جای Sein قصد دارد تا «نشان دهد که هستی در این‌جا دیگر به صورت متافیزیکی در نظر گرفته نشده است.» از آن‌جا که واژه‌ی Seyn همانند واژه‌ی Sein تلفظ می‌شود و تنها در نگارش با آن متفاوت است، عماد ترجیح داده است که

1. Heidegger, Martin, "Contributions to Philosophy (From Enowning)", trans. Emad and Maly, Indiana University Press, 1999, p. 332.

آن را به صورت Be-ing ترجمه کند.

۳. گوهریدن [Wesen]

واژه‌ی «Wesen» در افادات مهم‌ترین اصطلاح است. معانی متفاوت این واژه در کتاب، به چیز خاصی مانند زبان، تاریخ، حقیقت و یا حتی سرآغاز نخست یونان اشاره می‌کند. هنگامی که اشاره‌ی متن به سرآغاز نخست یونانیان است، این واژه بیشتر به معنای ذات و ماهیت (essence) است. هنگامی که «Wesen» در متن سرآغاز نخست نمایان می‌شود پرسش از چیستی (TI EOTIV) در تمایز با هستی (OVI EOTIV) قرار می‌گیرد. در این متن می‌توان آن را همان «ماهیت» یک چیز دانست. هرچند، حتی در این سرآغاز نیز معنای مورد نظر هایدگر از واژه‌ی «Wesen» گسترده‌تر از معنای ماهیت (essentia/essence) در سرآغاز نخست است. کاربرد هایدگر از Wesen در متن یک تصمیم در تاریخ هستوانجام می‌پذیرد که تمام افادات را شکل می‌دهد. این تصمیمی است که گشودگی سرنوشت‌ساز در اندیشه‌ی هستی را ممکن می‌سازد. اما به عنوان واژه‌ی تاریخی هستو، یک رخداد دربرگیرنده و ژرف را آشکار می‌کند، و از این‌رو به معنای ماهیت نیست. در این‌جا، هایدگر از فعل «Wesen» استفاده می‌کند که به معنای «نوسان کردن»، «پایداری کردن»، «ایستادگی کردن» است. او این نوسان کردن را به صورت ژرف و آغازین درمی‌یابد. از نظر عماد حتی برابرهایی مانند «حضور هستی» نیز گمراه‌کننده است، از آن‌جا که حضور در افادات تنها دگرشی در نوسان است که او آن را «Wesen das Seins» می‌خواند. عماد این اصطلاح را نخست به «نوسان همیشگی و پایدار» و سرانجام به «نوسان بنیادین» ترجمه می‌کند. در افادات، هنگامی که هایدگر درباره‌ی زبان یا مدرنیته سخن می‌گوید

واژه‌ی Wesen کاربرد دیگری را می‌یابد. در این کاربرد، هایدگر «Wesen» را به معنای آن چیزی می‌داند که واقعاً از آن چیزی است. برای مثال «das Wesen der Sprach» آن چیزی است که از آن زبان است. در این معنا «Wesen» دیگر به معنای ماهیت زبان نیست. بنابراین، اصطلاح Wesen در کتاب *افادات* گاه به معنای ماهیت، گاه به معنای نوسان بنیادین است. هایدگر این اصطلاح را گاه به معنای طریق هستی یک چیز نیز به کار می‌برد، برای مثال هنگامی که از "Volk ... unbestimmt genug in seinem Wesen" سخن می‌گوید، منظور او «طریق مردم از هستی» است.

۴. پرتاب [Werfen]

ریشه‌ی خویشاوند پدیدارشناسانه‌ی Entwerfer, doswerfen, Entwerfen, Gegenwurf, Wurf, Werfer, Entworfenes, Geworfenheit همگی به اندیشه‌ی تاریخی هستو در افادات مربوط می‌شوند. هایدگر کار مهم افادات را «Entwurf» می‌داند. نویسنده‌ی کتاب در آمدی بر افادات، «Entwurf» که آن را به فرافکنی گشوده ترجمه کرده است، چراکه در این‌جا کنش گشوده و آشکار شدن به عنوان آن چیزی که توسط هستو از آن خود شیده، مورد نظر است.

تشکر و قدردانی

در پایان بر خود لازم می‌دانم که از آقای احمد امامی و نیز همسر فرهیخته‌اشان، خانم دکتر سروناز تربتی به جهت فراهم نمودن ترجمه‌ی انگلیسی کتاب افادات تشکر کنم. همچنین از دوست عزیز و شاعر خود، علی عبدالهی نیز بی‌نهایت سپاسگزارم. از دوست عزیزم، دکتر احمد

خالقی نیز که با صبر و شکیبایی خود زحمت چاپ کتاب را برعهده گرفتند، متشکرم. از پدر و مادر عزیزم نیز که همواره مدیون آنها هستم، بی نهایت سپاسگزارم.

محمدرضا قربانی

Email: pejman71@yahoo.com

مقدمه

کتاب *افادات به فلسفه (از رویداد از آن خودکننده)*^۱ را می‌توان دومین اثر مهم هایدگر پس از هستی و زمان دانست.^۲ این کتاب از یک «پیش‌گفتار»، یک بخش پایانی تحت عنوان «هستو» و شش همبند یا فوگ^۳ تشکیل شده است که شرح‌ها و فرایافتهای اندیشه‌ی تاریخی هستوی هایدگر^۴ را پس از میانه‌ی دهه‌ی ۳۰، و همزمان با «چرخش»^۵ اندیشه‌ی او برمی‌سازند. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد طرح اولیه‌ی این اثر مهم در اوایل سال ۱۹۳۲، یعنی زمانی که هایدگر مشغول کار بر روی مقاله‌ی *درباره‌ی ذات حقیقت*^۶ بود، شکل گرفته است.^۱ هایدگر کتاب *افادات*، به‌ویژه

1. Martin Heidegger, "Contributions to Philosophy (From Enowning)", trans. Parvis Emad and Kenneth Maly, (Bloomington: Indian University Press, 1999). German editon: Beiträge zur Philosophie (Von Ereignis), ed. F. W. Von Hermann, Gesamtausgabe, vol. 65 (Frnkfurt a. M.:Klosterman, 1996).

2. Martin Heidegger, "Being and Time", trans. Joan Stambough (Albany: State University of New York Press, 1996). German edition, "Sein Und Zeit", (Tübingen: Max Niemeyer Verlag, 1984).

3. Fugen

4. seynsgeschichtliches Denken

5. turning – kehre

6. On the Essence of Truth

پیش‌گفتار و شش همنبد آن را در سال‌های ۱۹۳۷-۱۹۳۶ نوشته است. این زمان، درست پس از خطای به عضویت درآمدن او در جنبش ناسیونال سوسیال، و پس از نخستین سخنرانی‌هایش درباره‌ی هولد‌رلین (۳۵-۱۹۳۴) و بازاندیشی سرآغازهای متافیزیک غربی در واحد درسی درآمدی بر متافیزیک^۱ (۱۹۳۵) می‌باشد. آخرین همنبد کتاب، تحت عنوان «هستو»، در سال ۱۹۳۸ به نگارش درآمد ه است، که شاید بتوان آن را تلاش هایدگر برای بازاندیشی آن چیزی دانست که او کوشیده بود تا در بخش‌های پیشین کتاب به شرح آن پردازد.^۲ همزمان با نگارش کتاب *افادات*، می‌توان سه سخنرانی نخست او درباره‌ی نیچه، کتاب *سرآغاز کار هنری و سخنرانی او تحت عنوان پرسش‌های بنیادین درباره‌ی فلسفه*^۳ را یافت.^۴ این اثرها به

۱. همان‌طور که فون هرمان می‌گوید: «هایدگر از سال ۱۹۳۲، ویژگی‌های بنیادین افادات را از پیش طرح‌اندازی کرده بود. اندیشه «از رویداد از آن‌خودکننده» هنگام نوشتن کتاب افادات به وجود نیامده است». از همین روست که هایدگر دست‌نوشته‌های خود را با اشاره به این نکته آغاز می‌کند: «آن‌چه که در درنگ طولانی از آن جلوگیری شده است، در این‌جا به عنوان ارزیابی نشانگر برای یک شکل‌دهی،^۵ به تندی پی‌گیری و اشاره می‌شود».

Wege ins Ereignis. Zu Heidegger's "Beiträge zur Philosophie", [Frankfurt a. M.: Klosterman, 1994], p. 1.

2. Introduction to Metaphysics

۳. ببینید:

Martin Heidegger, "Beiträge zur Philosophie", editor's Nachwort.

4. Basic Questions of Philosophy

5. Martin Heidegger, "Grundfrage der Philosophie". Ausgewählte "Probleme" der "Logik." ed. F. W. Von Hermann, GA 45 (Frankfurt a. M.: Klosterman, 1984).

سخنرانی زمستان ۲۷-۱۹۳۶ را می‌توان ویرایش عمومی دو همنبد نخست دانست که

متنی دلالت می‌کنند که هایدگر در طول این سالیان به‌نگارش آن پرداخته است: بازاندیشی سرآغاز متافیزیک غربی، این بازاندیشی در طول خوانش او از نیچه، پایان متافیزیک و اندیشیدن درباره‌ی سرآغاز جدیدی از اندیشه‌ی غربی صورت گرفته، و در نتیجه‌ی رویارویی او با کارهای هولدرلین به وجود آمده است و امکانات انضمامی آن را در تأملات خود درباره‌ی ذات زبان و هنر جستجو می‌کند.

با این حال، کاملاً اشتباه است اگر *افادات* را به گونه‌ای درک کنیم که تنها از این متن به وجود آمده است. باید این متن را به صورتی در نظر بگیریم که نشان دهد چگونه هایدگر در آن کوشیده تا زبان را به خاستگاه مفاکی درآورد که از آن مفصل‌بندی اندیشه‌ای به وجود می‌آید که او آن را در سخنرانی‌ها عمومی و واحدهای درسی خود بیشتر و متفاوت‌تر گسترش داده است. هایدگر در *افادات* می‌کوشد تا چیزی را بگوید که علی‌رغم حضور همیشگی آن، همواره در پس‌زمینه بوده و در نوشته‌های عمومی و سخنرانی‌هایش در آن زمان و پس از آن ناگفته باقی مانده است. آیا باید این تلاش صورت گرفته در کتاب را نوشته‌ی «رمزوارانه‌ای» دریابیم، رمزگشایی چیزی که این اجازه را به ما می‌دهد تا ذهن فیلسوف مشهور را آشکار کند؟ نه دقیقاً. باید *افادات* را جای‌گاه روشنگری‌هایی بدانیم که برای زمانی ما بی‌پروا و عجیب هستند. به همین دلیل، هایدگر ترجیح می‌دهد تا از مسائل و یافته‌های خود مراقبت کند یا آن‌ها را پنهان دارد، تا هنگامی که زمان مناسبی برای ارائه‌ی آن‌ها فرارسد.^۱ این اثر به مهم‌ترین پرسش هایدگر، که همانا پرسش از هستی است، هیچ پاسخی نمی‌دهد، بلکه این پرسش را به

ساختار افادات را تشکیل می‌دهد و به بازاندیشی متافیزیک غرب در سرآغاز آشکارگی آن دلالت می‌کند.

۱. هایدگر قصد داشت تا کتاب افادات در سال ۱۹۸۵ به چاپ برساند.

شیوه‌ای آغازین و روشن‌گر گشوده‌تر می‌سازد. یافته‌هایی را که این اثر آشکار می‌کند نه فرضیات هستند و نه نتیجه‌گیری‌هایی که بتوان آن‌ها را در مورد اثرهای دیگر هایدگر به کار برد. چیزی که در این کتاب بیش از هر چیز انقلابی است، و امکانات جدیدی را برای اندیشه می‌گشاید، جنبه‌ی اجرایی آن است؛ یعنی آن چیزی که در هنگام جستجوی حرکت‌های اندیشه‌ی مکتوب در آن رخ می‌دهد.

افادات، بازاندیشی و بازسنجی تمامی اثرهای هایدگر را فرامی‌خواند. سخنرانی‌های عمومی و واحدهای درسی او را می‌توان همچون پل‌هایی بر روی هسته‌ی مرکزی موضوع در نظر گرفت. برخلاف *افادات*، سخنرانی‌های عمومی او به زبانی نوشته شده‌اند که شنوندگان و خوانندگان زمان خود را درگیر می‌کنند و می‌کوشند تا جای ممکن، به ترجمه‌ی اندیشه‌هایی دست یابند که در تلاش شخص برای ترجمه‌ی آن‌ها به زبان استاندارد و روزمره، همواره واپس می‌نشینند. این واپس‌نشینی به این علت رخ نمی‌دهد که اندیشه‌های مورد نظر «رمزوارانه» یا «عارفانه» هستند، بلکه به جهت آن است که این اندیشه‌ها نیازمند یک دگردیسی در زبان هستند که نمی‌توان به زور به آن دست یافت یا آن را توضیح داد. این دگردیسی دربرگیرنده‌ی دگرگونی در ویژگی گزاره‌ای (مبتنی بر تفسیری از زبان به عنوان سامانه‌ای از نشانه‌هایی که به چیزی «عینی» از اندیشه دلالت می‌کنند) به ویژگی «شاعرانه»ی زبان (در معنای واژه‌ی یونانی پوئیسس که به معنای تولیدکردن و پیش‌فراآوردن است) است. زبان *افادات* به معنای دوگانه‌ای شاعرانه است: این زبان روی‌داد^۱ هستی را به گونه‌ای توان‌مند می‌سازد تا به صورت یک اندیشه آشکار شود، و به نوبه‌ی خود، اندیشه و زبان را نیز توانا می‌سازد تا به صورت رویدادهای هستو آشکار شوند. آن چیزی که

زبان *افادات* می‌گوید مبتنی بر یک حرکت اجرایی است، به این معنا که آن چیز بر پایه‌ی رخداد اندیشه و زبان استوار است، و نه برپایه‌ی چیزی که این رخداد بتواند آن را به صورت عینی ارائه دهد.

تغییر جهت دادن از اندیشه‌ی گزاره‌ای به ویژگی شاعرانه-اجرایی اندیشه، به خصوص، جنبه‌ی بارز اندیشه‌ی شالوده‌شکن فرانسوی و آمریکایی است. هرچند، این امکان وجود دارد که در صورت زنده بودن هایدگر، وی در برابر بسیاری از جریان‌های امروزی به شدت مقاومت می‌کرد، چراکه این جریان‌ها، در میان چیزهای دیگر، فاقد ساحت تاریخی-هستی‌شناختی هستند که برای اندیشه‌ی هایدگر بسیار مهم است (ضرورت فراهم ساختن سرآغاز دیگری از تاریخ غرب، تقدیری که در حقیقت هستو آشکار می‌شود). کوشش هایدگر در جهت چیرگی بر متافیزیک (به‌ویژه متافیزیک سوژکتیویته)، بازشناسی او از تناهی و بی‌بنیادی هستی (به معنای متافیزیکی آن) و تأکید بر واقعیت‌مندی هستی در کتاب *هستی و زمان*، در جریان‌های شالوده‌شکنانه‌ی دوره‌ی معاصر بسیار تأثیرگذار بوده است. این موضوعات، حتی در کتاب *افادات* به فلسفه نیز افراطی شده‌اند.

هایدگر در *افادات* می‌کوشد تا علاوه بر متافیزیک، هرگونه اندیشه‌ی فرارونده‌ای را که شامل *هستی و زمان* نیز می‌گردد، پشت سرگذارد. اندیشه‌ی *افادات*، با توجه به *هستی و زمان*، چیرگی بر متافیزیک سوژکتیویته را بدون هیچ‌گونه بحثی درباره‌ی دزاین، به عنوان آغازگاه حرکت به سوی بنیادگذاری آن در زمانمندی «هستی به تنهایی» بنیادشکن می‌کند. به جای آن، پرسش را از زمانمندی هستی (یعنی حقیقت هستو) آغاز می‌کند. در این جا، پرسش این نیست که چگونه سوژکتیویته را از میان برداریم یا آن را گشوده سازیم، بلکه پرسش این است که انسان‌ها چگونه

می‌آیند تا باشند، و چگونه در گشودگی و بی‌بنیادی رویداد هستی به یک مفصل‌بندی دست می‌یابند. همچنین، *افادات* واقع‌مندی دازاین را با اندیشیدن (در) چیرگی بر تمایز هستی‌شناسانه، یعنی اندیشیدن در «هم‌اکنون‌بودگی»^۱ هستی و هستنده‌ها بدون بازبرقراری الویت هستنده‌ها، یا واپس لغزیدن در حالت بازنموده‌ی اندیشه بنیادشکن می‌کند.

از دیگر موضوعاتی که در *افادات* به چشم می‌خورند، پرسش از تکنولوژی و نیرو (که هایدگر آن‌ها را تحت مفهوم افزاروارگی/دسیسه^۲ مورد توجه قرار می‌دهد)، امکان بازاندیشی تاریخ فلسفه به صورت رویدادها و مفصل‌بندی‌های هستی (متضمن ترک تاریخ‌نگاری و فهم عینی از رویدادهای تاریخی، و امکان بازخوانی متافیزیک به صورت غیرمتافیزیکی) و بازاندیشی ساخت امر الهی،^۳ نه به عنوان هستنده‌ای برتر، بلکه به عنوان رخداد هستی است.

ویژگی خاص *افادات* دسترسی به این کتاب را دشوار ساخته است. این کتاب بدون توجه به جنبه‌ی آموزشی نوشته شده است. کتاب *افادات* به صورت جسته‌گریخته و تکراری، با مجموعه‌ای از یادداشت‌های شخصی، جمله‌های ناتمام، فهرستی از واژه‌ها و موضوعات و نیز قطعات بلند و پیچیده نوشته شده است. *افادات* به فلسفه بیشتر مکانی برای کشمکش و تکاپوست تا کتاب سامان‌مندی که گسترش گام به گام اندیشه را ارائه می‌دهد. هرچند، نباید چنین پنداشت که این کتاب بی‌دقت و بدون قالب است. شکل و قالب این کتاب همچون یک کشمکش، و در تکاپوی اندیشه‌ی موشکافانه‌ای به وجود آمده است که می‌توان در آن تلاشی را

1. simultaneity - Gleichzeitigkeit

2. machination - Machenschaft

3. godly – das Gotthafte

برای شکل دادن به اندیشه‌های پدیدارشنونده‌ای یافت، که در مرحله‌ی آغازین‌اشان، سرچشمه‌ی درنیافتنی آن‌ها را پژواک می‌دهد. در عین‌حال، اندیشه‌ی هایدگر در *افادات*، پیشاپیش، با مفهوم‌بندی و ساختارهای تجسم‌یافته‌ای مواجه می‌شود که در هزاره‌ی دوم فلسفه‌ی غرب به وجود آمده، و آن‌چه را که او در تلاش گفتن آن است، آسان و محدود می‌کند.

هدف از نگارش *درآمدی بر افادات* هایدگر، آسان کردن رهیافتی به این اثر مشکل برای خوانندگانی است که از پیش با کارهای هایدگر (به ویژه هستی و زمان) آشنایی دارند. این کتاب بسیار سامان‌مندتر از *افادات* نوشته شده است، و هدف آن فراهم نمودن جهت‌ها و ساختارهایی است که خواننده را در خواندن کتاب جهت‌مند می‌سازند. با این وجود، با توجه به ویژگی خاص کتاب، آن‌چه که این درآمد می‌تواند ارائه دهد تنها نشانه‌ها و جهت‌ها است. یافتن هرگونه رویارویی با این اثر به خواننده بستگی دارد تا بتواند به توانالیه‌ها و موومان‌های اندیشه‌های هایدگر وارد شود. خواننده‌ی کتاب باید، همانند هنرجوی کلاس رقص، نخست گام‌ها را یاد بگیرد، هرچند تکرار گام‌ها به این معنا نیست که او در حال رقصیدن است. خواننده‌ی کتاب *افادات*، در بهترین حالت، باید بتواند همانند رقصیدن، گام‌ها را فراموش کند و چیز جدیدی را به وجود آورد.

با توجه به نقش برجسته‌ی هستی و زمان که در دهه‌ی گذشته در تفسیر هایدگر بسیار چشمگیر بوده است، کتاب پیش رو، نخست، با بازاندیشی هستی و زمان در پرتو گشت دگرگون‌شونده‌ای^۱ که مشخص‌کننده‌ی گذار میان دو اثر مهم هایدگر است، به معرفی *افادات*

۱. به جای واژه‌ی «چرخش» (turning) از واژه‌ی «گشت دگرگون‌شونده» استفاده کرده‌ام تا آن را از اصطلاح هایدگری «Kehre» که به معنای پویاگان (dynamics) درونی رویداد اندیشه‌ی هستو چونان از آن‌خودکننده است، متمایز کنم.

می‌پردازد. سپس، از درون متن اندیشه‌ی تاریخی- هستوی *افادات*، به موضوعات بنیادین هستی و زمان می‌پردازد. فصل‌های بعدی کتاب با همبدهایی که تصنیف *افادات* را مشخص می‌کنند، و نیز بخش مهم و پایانی «هستو» (بخش ۲۶۷ *افادات*) به پیش می‌روند. آخرین بخش *افادات*، همانند دیگر همبدها، در تلاش است تا تمام قلمروی حقیقت هستو را چونان «رویداد از آن خودکننده» مفصل‌بندی کند. اما رویداد از آن خودکننده، این بار با تأکید بر جنبه یا ساحتی از این رخداد موضوع‌بندی نشده است. به جای آن، بخش ۲۶۷، تمام جنبه‌های متفاوتی را که قبلاً مورد بحث قرار گرفته است گرد هم می‌آورد.

به جهت خاص بودن زبان *افادات*، در ترجمه‌ی کتاب باید ملاحظات بسیاری را در نظر گرفت. ارائه‌ی ترجمه‌ی مناسبی از «Beiträge zur Philosophie» ممکن نیست. این موضوع، تنها به این دلیل نیست که هر ترجمه‌ای در گذار از یک زبان به زبان دیگر، همواره با از دست دادن یا تغییر معنا مواجه است، بلکه، همچنین، به دلیل دگردیسی اندیشه‌ای است که هایدگر ناگزیر در آن درگیر بوده و از کاربرد رایج زبان رها شده، و مانند شعر، خودش را در امکانات زبان جدید به مخاطره انداخته است. امکان بازی با ترکیبی از پیشوندها و پسوندها و گذار از فعل به اسم و برعکس در زبان آلمانی، به همان صورت به زبان انگلیسی انتقال‌پذیر نیست. در نتیجه، ناسازگارهایی از این دست که چگونه واژها و قطعات *افادات* می‌توانند ترجمه شوند، اجتناب‌ناپذیر است. بیشتر بخش‌های این کتاب، با ارجاع به ترجمه‌ی در دسترس «پرویز عماد» و «کنت مالی» نوشته شده است. در موارد مهم‌تر، از ترجمه‌های متفاوت دیگری نیز استفاده کرده‌ام. ترجمه‌های دیگر با علامت ستاره (*) مشخص شده‌اند. علامت ستاره‌ای که در یک

نقل قول و در کنار واژه‌ها آمده است، نشان‌گر انتخاب واژه‌ی دیگر است؛ اما اگر این علامت پس از بسته شدن علامت نقل قول آمده باشد حاکی از عبارت‌پردازی یا نحو متفاوت است. در نقل قول‌ها، نخست شماره صفحه‌ی ترجمه‌ی انگلیسی، به همراه «C» برای «Contributions»، و سپس شماره صفحه‌ی کتاب آلمانی، به همراه «B» برای «Beiträge» آمده است (برای مثال: "... (C75, B107). در مورد کتاب هستی و زمان، نقل قول‌ها از ترجمه‌ی جوآن استامبو^۱ و با ارجاع به ویرایش آلمانی ماکس نیمیر^۲ اخذ شده است.

1. Joan Stambaugh

2. Max Niemeyer